



کلاف سرد در گم عشق

نگاهی به نمایش «مرغ دریایی» اثر خوف،

به کارگردانی دکتر محمد رضا خاکی

علی رضا احمدزاده (عضو کانون ملی منتقدان تئاتر)

روسی - داستایوسکی، تولستوی، تورگنیف - و عصر سیمین ادبیات روسی، که مقارن است با نهضت سمبولیست‌ها، بدیهی است آثار وی متأثر از رئالیسم است و با چاشنی طنز و تغزل اشکال نوینی را پدید آورده است. آثار وی محبوب‌ترین آثار ادبی در روسیه است و بارها به زبان‌های مختلف ترجمه شده است. تأثیر چخوف بر نویسندگان بعد از خود نیز قابل بررسی است. تأثیر وی بر رمان نو و ابزوردیست‌ها با مضامین نهفته در آثارش همچون سرنوشت گریزنایپذیر شخصیت‌های نمایشی‌اش، زندگی‌های بیپوده و بربادرفته، انزوا و تنهایی آدم‌ها و عدم ارتباط صحیح بین انسان‌ها و سوءتفاهم؛ نشانگر این است که رمان نو و حتی ادبیات پست‌مدرن تحت تأثیر چخوف هستند. در کشور خودمان نیز، اکبر رادی ادامه جریان چخوفیسم بوده است.

مرغ دریایی از آن دست آثاری است که اتفاقات در ظاهر و در مقابل دیدگان تماشاگران رخ نمی‌دهد، بلکه همه اتفاقات، درونی و بیرون از صحنه است و ما شنونده آن هستیم. موضوع اصلی این نمایش تئاتر و هنر است؛ بحث تقابل رئالیسم و سمبولیسم، که موضوع روز زمان نگارش این اثر بوده است، و موضوع بعدی عشق است. عشقی که فرجامی ندارد، زیرا هیچ رابطه عاشقانه‌ای به درستی برقرار نمی‌شود. ماشا عاشق ترپیف است. ترپیف عاشق نیناست. نینا دلپاخته تریگورین است. تریگورین به آرکادینا نظر دارد و از آن سو مدودنکو عاشق ماشاست. پولی‌نیا عاشق دکتر است و... این کلاف سرد در گم عاشقانه گویی انتهایی ندارد.

دکتر خاکی، در چیدمان سالن اصلی تالار مولوی، نمایش را سه‌سویه به کارگردانی نشسته است و این چیدمان اولین لطمه را به اجرا می‌زند. من که در ضلع سمت راست نشسته بودم،

مجلات بنویسد تا امرار معاش کند. اولین اثر مهمش در مجله نووی ورمیا^۱ (عصر جدید) چاپ شد. سردبیر این مجله، نویسنده مطرح آن دوران، الکسی س. سووورین^۲ بود که بعدها از صمیمی‌ترین دوستان چخوف شد. چخوف در دوره‌های مختلف نویسندگی‌اش با تلخی‌های واقعی زندگی مردم آشنا شد و دیدگاه فردی‌اش رشد یافت، از تک‌نگاری جامعه‌شناسانه‌اش، جزیره ساخلین^۳، تا داستان اتاق شماره ۶^۴ این دگرگونی و رشد بروز کرد. این تجربه‌های اجتماعی و آن انعکاس ادبی، زمینه بسیار مناسبی شد تا آثار نمایشی‌اش، که پس از آن تا آخر عمر نوشت، آثاری ممتاز گردند.

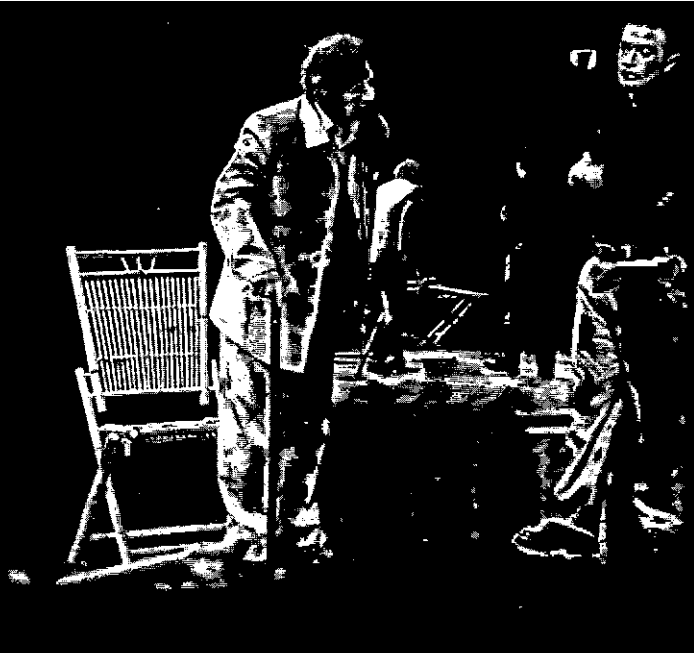
مرغ دریایی^۵ (۱۸۹۶)، دایی وانیا^۶ (۱۸۹۹)، سه خواهر^۷ (۱۹۰۱) و باغ آلبالو^۸ (۱۹۰۴) مهم‌ترین نمایشنامه‌های وی محسوب می‌شوند و علت فوران ناگهانی نوشته‌های دراماتیک چخوف را باید در همکاری وی با تئاتر هنری مسکو و استانیسلاوسکی جست.

چخوف از سی سالگی بیمار بود. وی در چهل سالگی با اولگا کنیپر^۹، یکی از بازیگران سرشناس گروه استانیسلاوسکی، ازدواج کرد و چهار سال بعد، در دوم ژوئیه ۱۹۰۴، در آلمان درگذشت.

چخوف پلی بود میان عصر طلاایی ادبیات

آنتوان پاولوویچ چخوف را می‌توان بهترین داستان کوتاه‌نویس تاریخ ادبیات جهان شمرد. نگاه نو و تصویرپردازی‌های بدیع و موضوعاتی از ضرورت روابط انسانی، عواملی هستند که در نوشته‌های چخوف باعث موفقیت و ماندگاری آثارش گشته‌اند. در کنار داستان‌نویسی، وی در درام‌نویسی نیز پر قدرت ظاهر شد. آثار نمایشی وی توسط نظریه‌پرداز شهیر عالم تئاتر، کنستانتین، استانیسلاوسکی به اجرا درمی‌آمد. در واقع، آثار چخوف و استریندبرگ و ایسن پایه‌های اصلی درام مدرن را تشکیل می‌دهند.

آنتوان چخوف در هفدهم ژانویه ۱۸۶۰، در شهر تاگانروگ^۱، در جنوب روسیه در ساحل دریای آزوف^۲، متولد شد. پدرش خواربارفروش بود و عشق زیادی به موسیقی کلیسایی داشت و فرزندان‌ش را وادار می‌کرد در گروه کر کلیسا بخوانند. پدرش سخت‌گیر بود. چخوف می‌گفت که در کودکی‌اش هرگز کودکی نکرده است. او در مدرسه‌ای یونانی تحصیل کرد. در همان دوران، می‌نوشت و آثاری آماتور در زمینه تئاتر اجرا می‌کرد. سپس در دانشگاه مسکو پزشکی خواند و در سال ۱۸۸۴ درجه دکترا در طب را گرفت. البته، حرفه پزشکی برایش زیاد جدی نبود. وی گفته است پزشکی زن اوست و ادبیات معشوقه‌اش. وی در تنگدستی زندگی می‌کرد و مجبور بود تا مطالب فکاهی برای



کند و این کنش بیرونی است که باعث می‌شود تا تماشاگر معنی درونی یا زیرمتنی نمایش را که در درون و بین شخصیت‌ها جاری است و گاهی در تضاد با گفت‌وگو می‌باشد درک کند. مثلاً در ابتدای نمایش پس از آشنایی نینا و تریگورین، نینا میان آرکادینا و تریگورین ایستاده است. این تصویر درست مفهومی از گرایش نینا به تریگورین و رقابتی زنانه را نشان می‌داد.

بعد از این، کارگردان وظیفه ایجاد حرکت و ریتم را به عهده دارد و دکتر خاکی در بخش‌های پایانی موفق‌تر عمل می‌کند. مرغ دریایی، دغدغه چند زن و مرد اهل روسیه است و مینا درودیان، در نقش ماشا، اگر چه با کم‌تجربگی، اما دل‌نشین، به دختری مستأصل اهل روسیه نزدیک می‌شود و علی برجی، اما یکسره اهل روس است، و به درستی معلم درمانده و زیاده‌خواه را نشان می‌دهد و حضور بسیار موفق‌ی روی صحنه دارد. تریلف با آن طراحی غلط لباس، که هیچ سنخیتی با لباس دیگر بازیگران ندارد، ریتم و حرکت و انرژی فوق‌العاده‌اش در اثر اساساً درونی چخوف در شکلی بیرونی به هدر می‌رود.

شینم خزلی، در نقش مهم نینا، شروع درخشانی دارد، اما وقتی به مسکو می‌رود و شکست‌خورده و مأیوس بازمی‌گردد افت می‌کند. فرزانه نشاط‌خواه، در نقش آندره‌یونا، مادری که آرزوهای برابردفته‌اش را در دخترش متجلی می‌بیند، خوب است و طوفان مهردادیان با بازی متفاوتی روی صحنه حاضر است، اما رفتارهایش به دون‌ژوان‌های امریکایی بیشتر شبیه است تا روسی و بهناز سلیمانی، در نقش آرکادینا، که در بحران میان‌سالگی تلاش دارد معنای زندگی‌اش را با تریگورین کامل کند، بر نقش سوار است و دریافت درست وی از نقش و عکس‌العمل‌های متناقضش، مخصوصاً، در مقابل فرزندش ابعاد

بعضی از حرکات و شخصیت‌ها را نمی‌دیدم؛ چرا که دقایق زیادی، طوفان مهردادیان، بازیگر نقش دکتر، با ایستادن در مقابل تماشاگران این ضلع و، البته پشت به آن‌ها، مانع دیدن نمایش می‌شد. این اتفاق در ضلع دیگر نیز رخ می‌داد، پس بهتر بود نمایش، با این میزانشن، در سالنی یک‌سویه به اجرا درمی‌آمد. ترکیب‌بندی صحنه و محل قرار گرفتن و رفت و آمد شخصیت‌ها، فاقد ظرافت و بداعت بود و به روشنی پیدا بود که دکتر خاکی تلاش جدی خود را در هدایت بیان بازیگران و حفظ ریتم بیانی و تحلیل درست شخصیت‌ها صرف کرده است. به همین دلیل بیشتر بار نمایش بر دوش بازیگران بود و طراحی صحنه و نورپردازی و موسیقی به اندازه حضور بازیگران مؤثر نبودند.

قطعاً، کارگردان یک اثر نمایشی باید در مورد ترکیب‌بندی دقت نظر کافی به خرج دهد؛ تأکید دکتر خاکی، صرفاً، در محیط مسطح مقابل صحنه ساختگی تئاتر تریلف در مقابل دریاچه و اتاق پذیرایی خلاصه می‌شود. این تأکید اگر، صرفاً، در ایستادن و نشستن خلاصه شود و فقط یک صحنه خوابیدن در پایان، که سورین بیمار را روی تخت می‌خوابانند و یا وضعیت‌های بدنی محدود و تقسیم‌بندی شخصیت‌ها در صحنه و نبودن بلندی، به غیر از صحنه اول، که نینا به اجرای نمایش می‌پردازد، اثر را از ترکیب‌بندی متنوع و چشم‌نواز خالی می‌کند. اگر ترکیب‌بندی با رعایت مواردی که آمد اعمال شود تازه به سمت تصویرسازی در صحنه گام برداشته‌ایم. تصویرسازی، تفسیر تصویری هر لحظه از نمایش است. تصویرسازی، قرار دادن شخصیت‌ها در محلی است که نگرش ذهنی و حسی آن‌ها را نسبت به هم نشان دهد تا اینکه بدون استفاده از گفت‌وگو و حرکت، طبیعت دراماتیک موقعیت نمایشی را به تماشاگر منتقل

چندگانه این شخصیت پیچیده را نیک به رخ می‌کشد و کامبیز امینی، که از بازیگران پُر قدرت تئاتر کشور است، یک سرهنگ تمام است و تنوع دلچسبی در فضای صداها، نزدیک به هم خلق می‌کند و دکتر مسعود دلخواه، شخصیت دوست‌داشتنی و نفرت‌آور تریگورین، مردی که نومیدانه می‌نویسد، بلهوسانه دل می‌بندد و با بی‌مسئولیتی رها می‌کند، نگاه خیام‌وار و نیهیلیستی گرفتار را به زیبایی هر چه تمام‌تر ارائه می‌دهد. نشستن و برخاستن و لحن دلخواه، تریگورینی است که چخوف ساخته است.

در مجموع، بار اصلی اجرا بر دوش بازیگران است و، البته، این امر هدایت کارگردان و تأکید بیشتر وی بر این جنبه از اجرا را می‌رساند و می‌توان اجرای سه‌ساعته دکتر خاکی را با تمرکز و حوصله کامل دید.

پی‌نوشت:

1. Taganrog
2. Azov
3. Novoe Vemya (New Time)
4. Aleksey S. Suvorin
5. Ostrov Sakhalin
6. Palata No 6
7. The seagull
8. Uncle Vanya
9. The Three Sister
10. The cherry Orchard
11. Olga Knipper